

آموزش مهارت‌های اجتماعی از راه بازی‌های گروهی با کنترل هوش هیجانی مادران

زهره محمدزاده^۱، ملوک خادمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۷/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بهبود مهارت‌های اجتماعی از راه بازی‌های گروهی با کنترل هوش هیجانی مادران مورد بررسی قرار گرفت. در روش نیمه آزمایشی حاضر، با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل، از طریق نمونه‌گیری تصادفی، از میان ۱۰۰ کودک ۵-۶ ساله مهد کودک و مرکز پیش‌دبستانی واقع در منطقه ۲ شهر تهران، ۳۰ کودک با مهارت‌های اجتماعی پایین، انتخاب و در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند. هوش هیجانی مادران آن‌ها نیز سنجیده شد. برای آموزش مهارت‌های اجتماعی، اعضای گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه در بازی‌های گروهی شرکت کردند. ابزارهای پژوهش شامل: پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی محقق‌ساخته و پرسشنامه هوش هیجانی سبیریاشرینگ بود. داده‌های پژوهش با آزمون تحلیل کوواریانس، پردازش شدند. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی از راه بازی‌های گروهی در کودکان پیش‌دبستانی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی ($P < 0/01$) آن‌ها مؤثر است. و آموزش مهارت‌های اجتماعی با کنترل هوش هیجانی مادران ($P < 0/05$) بر بهبود مهارت‌های کودکان مؤثر نیست. همچنین، یافته‌های جانبی با استفاده از آزمون t دو گروه مستقل حاکی از آن بودند که دخترها در پس‌آزمون ($P < 0/05$) در مقایسه با پسرها و کودکان ۶ ساله در پس‌آزمون ($P < 0/05$) در مقایسه با کودکان ۵ ساله از مهارت‌های اجتماعی بیشتری برخوردارند. همچنین نتایج آزمون واریانس تک متغیره نشان داد تحصیلات مری‌ها نیز تأثیری بر مهارت‌های اجتماعی کودکان ندارد. (در پیش‌آزمون $f = 0/0911$ ، در پس‌آزمون $f = 1/035$)

واژگان کلیدی: بازی‌های گروهی، مهارت‌های اجتماعی، هوش هیجانی

۱. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)

Mohammadzadeh4850@yahoo.com

۲. استادیار روانشناسی تربیتی دانشگاه الزهرا khademim@yahoo.com

مقدمه

باندورا^۱ (۱۹۸۶) در دیدگاه یادگیری اجتماعی معتقد است وقتی فرد رفتاری را از دیگران مشاهده می‌کند، نتایج آن را نیز مشاهده می‌کند. اگر نتایج، مورد پذیرش او بود، آن رفتار را انجام می‌دهد. چرا که انسان به صورتی پویا، پردازش‌کننده‌ی اطلاعات، حل‌کننده مسائل و بالاتر از همه موجودی اجتماعی است. در واقع، بیشتر یادگیری‌های ما دربرگیرنده‌ی سایر افراد در موقعیت‌های اجتماعی است. لذا، یادگیری مهارت‌های اجتماعی^۲ بخش ضروری زندگی هر فرد است. (به‌پژوه، ۱۳۸۴؛ سیف، ۱۳۹۰). مهارت‌های اجتماعی، رفتارهای انطباقی و اکتسابی است که، به فرد کمک می‌کند تا با افراد، روابط متقابل داشته باشد، واکنش‌های مثبت بروز دهد و از رفتارهایی که پیامد منفی دارند، اجتناب ورزد. به‌عبارت‌دیگر، این مهارت‌ها، خزانه‌های رفتار، اعمال و راهبردهای یک فرد در تعامل با دیگران هستند. (وهاب، شهیم، جعفری و اوریادی زنجانی، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های مهارت‌های اجتماعی اکتسابی بودن آن است (ملکشاهی و فرهادی، ۱۳۸۷) آموزش مهارت‌های اجتماعی باید از سنین کم و هم‌زمان با شروع اولین تعاملات فرد آغاز شود؛ لذا زمان پیش‌دبستانی بهترین زمان برای شکل‌گیری این تعاملات است (یزدخواستی، ۱۳۹۰)؛ زیرا کودکان بدون رشد اجتماعی قادر به انجام وظایف خود در مقابل دیگران نیستند (یزدانی پور و یزدخواستی، ۱۳۹۱).

برای کودکان پیش‌دبستانی، ضروری است که مهارت‌های ارتباطی ساده مثل لبخند زدن، تماس چشمی، گوش دادن و همکاری را بیاموزند. به دست‌نیابوردن این مهارت‌ها برای کودکان، باعث خطرات اجتماعی بزرگی در دوره‌های بعدی می‌شود. مشکلات اجتماعی کودکان در دوره پیش از دبستان، آنان را به انواع اختلالات رفتاری سوق داده و نگرش آنان را نسبت به همسالان و کارکرد تحصیلی تحت تأثیر قرار می‌دهد. شناخت به‌موقع و آموزش مهارت‌های ارتباطی در محیط خانواده و آموزشی و تعامل میان این دو می‌تواند آنان را به سمت رفتارهای مثبت اجتماعی سوق دهد. کودکان دارای مهارت‌های اجتماعی مناسب، در پایداری روابط، اطاعت از قوانین و مهار احساسات منفی خود موفق‌ترند (یاخچی بیگلو، حاجلو و یاخچی بیگلو، ۱۳۹۱). در همین راستا، کریمی، کیخاونی و محمدی (۱۳۸۹) در

1. Bandoura
2. social skills

مطالعه‌ای بر روی ۹۰ دانش‌آموز دختر و پسر پایه‌های سوم، چهارم و پنجم دبستان نشان دادند آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث کاهش اختلالات رفتاری دانش‌آموزان دختر و پسر می‌شود.

هر روز بر شمار کودکانی که در ارتباط با دیگران مشکل دارند افزوده می‌شود. برخی کودکان دستخوش ترس از برخوردهای اجتماعی و کمرویی‌اند. برخی دیگر هنگام ورود به جمع نمی‌دانند که چه بگویند و چگونه رفتار کنند و احساس ناتوانی برای گفتگو و همکاری با دیگران دارند. همه این عوامل باعث شیوع انزوای اجتماعی و طرد از اجتماع خواهد شد (لیوارجانی، گل محمدنژاد و شهانقی، ۱۳۸۸). انزوای اجتماعی علاوه بر مشکلات روانی، احتمال کسب نمرات پایین، اخراج شدن از مدرسه و اعتیاد به مواد مخدر، طرد شدن توسط همسالان، گوشه‌گیری، جرم و جنایت را افزایش می‌دهد. همچنین، آمارها نشان می‌دهد که ۱۰ تا ۱۳ درصد کودکان پس از ورود به دبستان دچار انزوای اجتماعی هستند (پورتال بیتوته، ۱۳۹۲) بنابراین، اگر کودکان در سنین پایین (زمان پیش‌دبستانی) رفتارهای مناسب اجتماعی را فراگیرند می‌توانند در جامعه، عقاید خود را بیان نموده و با دیگران ارتباط مناسب برقرار کنند و مورد محبوبیت اطرافیان خود قرار گیرند و در کارهای اجتماعی موفق‌تر باشند. در صورت عدم برخورداری از این رفتارها، قادر به برقراری رابطه متقابل اجتماعی و تعامل با دیگران نیستند؛ بنابراین، این دوره از نظر دستیابی به رفتارهای اجتماعی بسیار حائز اهمیت است (لیوارجانی و همکاران، ۱۳۸۸).

یکی از روش‌هایی که برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد بازی‌های گروهی است؛ بازی‌هایی که دارای دو یا چند نفر شرکت‌کننده و قوانین است و از سن ۳ سالگی شروع می‌شود. آموزش مهارت‌های اجتماعی از راه بازی‌های گروهی به نوعی ارائه الگو برای کودک است زیرا کودکان بسیاری از مفاهیم و مهارت‌های اجتماعی را که در بزرگسالی به آن‌ها احتیاج دارند، در بازی کردن فرامی‌گیرند. کودکانی که کمتر به بازی‌های گروهی می‌پردازند، دارای مشکلات زیادی در تعاملات اجتماعی خود از جمله: برهم زدن بازی همسالان، عدم برقراری ارتباط با دیگران هستند. کودکانی که بتوانند در بازی‌های گروهی عضو مفیدی باشند، در زندگی اجتماعی به رضایت خاطر بالایی می‌رسند. لذا در صورت طراحی فعالیت‌های آموزشی بازی محور، می‌توان مهارت‌های

اجتماعی کودکان را افزایش و تقویت نمود (یزدانی پور و همکاران، ۱۳۹۱؛ لیوارجانی و همکاران، ۱۳۸۸).

بر اساس دیدگاه یادگیری اجتماعی، کودکان در پنج‌سالگی توانایی درک بهتر افکار و احساسات دیگران (افزایش توانایی همدلی)، لذت از بازی‌های گروهی و پایدار بودن گروه دوستان یا همسالان، افزایش مشارکت و همکاری در بازی‌های گروهی، علاقه به فعالیت‌های گروهی و اجتماعی و رعایت بیشتر قوانین و مقررات، شروع بازی‌های تقلیدی و علاقه‌مند شدن کودک به بازی کردن نقش دیگران (ایفای نقش)، کامل‌تر شدن هماهنگی جسمانی می‌یابند؛ آن‌ها از کارهای پرتحرک لذت می‌برد و فعال است و بازی‌های پرسروصدا را دوست دارد (یگانه، ۱۳۹۳؛ سیادت، جدیدی، ۱۳۹۴).

از نظر رشد اجتماعی کودکان در شش‌سالگی، می‌توانند برای مدت بیشتری به بازی خود ادامه دهند؛ زیرا در این سن رعایت قوانین بازی‌های جمعی برای کودکان پذیرفته‌تر است. آن‌ها در سنی هستند که دوست دارند سرگرمی‌های بزرگ‌ترها را تقلید کنند؛ عزت نفس به تدریج در آن‌ها پدیدار می‌گردد که نباید اجازه داد این ویژگی به خودنمایی و خودپرستی مبدل شود؛ در بازی‌های گروهی پخته‌تر عمل می‌کنند (عابدین پور، ۱۳۹۲؛ قدمپور، شهبازی راد، محمدی، عباسی، ۱۳۹۴).

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه اثربخشی بازی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی بر روی جمعیت‌های مختلف به کارایی این روش اشاره نموده‌اند. یزدانی پور و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی بر روی کودکان پیش‌دبستانی ۷-۶ ساله شهر اصفهان به این نتیجه دست یافتند که بازی‌های گروهی می‌تواند به گونه‌های مؤثر، مهارت‌های اجتماعی کودکان دختر پیش‌دبستانی را افزایش دهد. سهرابی (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود بر روی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر تهران نشان داد که بازی‌های گروهی مهارت‌های مربوط به همکاری و برقراری ارتباط میان فردی دانش‌آموزان دختر را افزایش می‌دهد. این یافته‌ها با یافته‌های، خدا مراد (۱۳۸۹) و هستی (۱۳۹۱) نیز همسو است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بازی‌های گروهی بر رشد مهارت‌های اجتماعی هم کودکان ۵-۴ ساله و هم دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی مؤثر است. در پژوهشی که توسط کاپرالوس و لی و گری و برتا^۱

1. Kapralos & Lee & Gre & Berta

(۲۰۱۳) انجام شد، نتایج حاکی از آن بودند که بازی‌های گروهی به‌عنوان ابزار مهمی برای آموزش تعاملات اجتماعی محسوب می‌شوند.

در پژوهش دیگری که توسط استانتون -چاپمن و جامیسون و دنینگ^۱ (۲۰۰۸) انجام گرفت، نتایج نشان دادند که فعالیت‌های گروهی مثل بازی‌های گروهی و تعاملات بین فردی بر بهبود روابط افراد مؤثر است. همچنین، این یافته‌ها با یافته‌های استانتون -چاپمن و اسنل^۲ (۲۰۱۱) همسو می‌باشد. آن‌ها در پژوهش خود نشان دادند که بازی‌های گروهی از قبیل تعامل با همسالان بر فعالیت‌های اجتماعی و کنش‌های بین فردی مؤثر واقع می‌شود. یافته‌های پژوهش برون، ادوم، مک نل و راسل^۳ (۲۰۰۸) نیز حاکی از آن است که کودکان با دریافت آموزش‌های گروهی و بازی با همسالان جایگاه بالایی در تعاملات اجتماعی به دست می‌آورند و بالطبع نگرش مثبتی به این تعاملات پیدا خواهند کرد. یورن و استاگنیتی^۴ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای بر روی کودکان ۷-۵ ساله دریافتند که رابطه مثبتی میان بازی و انمودسازی و درگیری در فعالیت‌های مدرسه و تعامل بازی گونه با همسالان وجود دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کودکانی که در بازی مهارت دارند با همسالان خود تعامل اجتماعی بهتری داشته و در فعالیت‌های کلاس نیز بیشتر درگیر می‌شوند.

علاوه بر بازی، واکنش‌های عاطفی مادر، در تعیین رفتارهای اجتماعی کودک نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع، مادر به‌عنوان مدیر احساسات، مرجع ثبات عاطفی در کودک و نخستین فردی که با کودک ارتباط دارد، می‌تواند بر شکل‌گیری روابط اجتماعی او تأثیر بگذارد. مادر نخستین گذرگاه کودک به زندگی اجتماعی است. بر اساس دیدگاه روانشناسی رشدنگر، دلبستگی کودک با مادر اساس سازگاری اجتماعی اوست. اگر شیوه فرزند پروری مادر در چند ماه اول زندگی، به صورتی باشد که فرزندش را به‌صورت دلبسته ایمن پرورش دهد، بسیاری از مشکلاتی که افراد در بزرگسالی مانند، ناسازگاری زناشویی، طلاق، برقراری ارتباط با دیگران، عقب‌افتادگی تحصیلی تجربه می‌کنند، نخواهند داشت. روابط دلبستگی نقش بسیار مهمی در احساس امنیت دارد و برای کودکان، این رابطه ابتدا با مادر برقرار می‌شود (شعبی، ۱۳۹۲؛ طرازجانی، ۱۳۸۹).

1. Stanton-Chapman & Denning & Jamison
2. Stanton- Chapman & Snell
3. Brown & Odom & McConnell & Rathel
4. Uren & Estageniti

تجربیات اولیه کودک با مادر موجب می‌شود تا او فرصت‌های محیطی خود را به حداکثر برساند و روابط اجتماعی حمایتی خود را شکل دهد. در واقع، یک رابطه دلبسته ایمن با مادر می‌تواند عملکرد و شایستگی را در روابط اجتماعی کودک تسهیل نماید. افزایش احساس امنیت کودک در ارتباط با مادر، به او اجازه می‌دهد تا از تجربه‌ی درونی خود بیرون بیاید و بتواند به شناخت بیشتری دست پیدا کند؛ خود و دیگران را درک کند و بفهمد که رفتارش به وسیله حالات، افکار، احساسات و باورهای خودش سازمان می‌یابد. دلبستگی در رابطه مادر-کودک می‌تواند بر رفتار، شناخت، هیجانات در هرزمانی از زندگی تأثیر بگذارد. شکست در برقراری دلبستگی مناسب با والدین با ناتوانی کودک در برقراری روابط اجتماعی در دوران بزرگسالی همراه است. یکی از عواملی که نشان‌دهنده کیفیت این رابطه عاطفی است، هوش هیجانی^۱ مادر در روابط هیجانی و اجتماعی خود با کودک است. (طرازجانی، ۱۳۸۹؛ شعیبی، ۱۳۹۲ و طالب‌زاده، ۱۳۸۹).

به گفته سیف (۱۳۹۰؛ نقل از سالووی و مایر^۲، ۱۹۹۰، ص ۳۳۱) هوش هیجانی: "توانایی فرد در نظارت بر احساس‌ها و هیجان‌های خود و دیگران به‌منظور متمایز ساختن آن‌ها از یکدیگر و استفاده از این اطلاعات برای هدایت اندیشه و عمل خود است". افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، دارای هوش هیجانی بالایی بوده و می‌توانند به مدیریت هیجان‌ها پرداخته و به تصمیم‌گیری‌های مؤثر در زندگی دست زده و توان مقابله با تنیدگی‌ها را به‌طور اثربخش داشته باشند (شعیبی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، اینکه زن در چه مرتبه‌ای از هوش هیجانی قرار داشته باشد، به‌طور یقین، در انتقال مؤلفه‌های آن نقش مؤثری دارد. به این معنا مادری که از خصوصیات مطلوبی همچون استقلال، حرمت نفس، قاطعیت در بیان عقاید و احساسات خود برخوردار است، روش تربیتی مناسبی در جهت کارآمدی و موفقیت زندگی فردی و اجتماعی فرزندان اتخاذ می‌کند (حسینی حسین آباد، ۱۳۸۳).

ماهونی^۳ (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان بررسی نقش سرمایه هیجانی مادران در مدرسه و زندگی کودکان نشان داد بالا بودن هوش هیجانی والدین، به‌ویژه مادر می‌تواند از فرزندان آن‌ها در موقعیت‌های مهم زندگی حمایت کند و یک تجربه مثبت از صمیمیت با

1. emotional intelligence quotient

2. Solovy & mayeer

3. Mahoney

دیگران و موفقیت تحصیلی برای کودکان فراهم کند. نتایج پژوهش‌های رینالدی و هوی^۱ (۲۰۱۲) و باگنر و ایبرج^۲ (۲۰۰۷) حاکی از آن است که: نفوذ ویژگی‌های مادران بر گسترش رفتار فرزندان تأثیرگذار است و تقویت هوش هیجانی در مادران به‌عنوان یک مؤلفه روان‌شناختی، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای رفتارهای اجتماعی سازگارانه و تعاملات اجتماعی کودکانشان در نظر گرفته می‌شود. مادران عامل مهمی در کاهش مشکلات ارتباطی و بهبود تعاملات اجتماعی کودکان به شمار می‌آیند. در پژوهشی امرایی و حسن‌زاده^۳ (۲۰۱۱) نیز نشان دادند که ویژگی‌های بارز مادران از جمله هوش هیجانی آن‌ها بر تعامل اجتماعی فرزندان مؤثر است. در پژوهشی دیگر که از سوی لانداحی و ریسر ولوجی^۴ (۲۰۰۶) انجام گرفته نتایج حاکی از آن بودند که کار بر روی والدین و تقویت مهارت‌های آن‌ها بر بهبود مشکلات رفتاری فرزندان تأثیرگذار است. در حقیقت، مادران به‌عنوان یک فرد تأثیرگذار می‌توانند به بهبود مهارت‌های اجتماعی فرزندان خود کمک کنند.

صید (۱۳۸۸) در پژوهشی بر روی کودکان ۶-۵ ساله پیش‌دبستانی به این نتیجه دست یافت که: بین هوش هیجانی مادران با مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در مطالعه‌ای دیگر، مشهدی (۱۳۹۰) بر روی کودکان ۶ ساله نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر افزایش سطح هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در کودکان ۶ ساله تأثیرگذار نیست.

علاوه بر تأثیر مادر، مراکز پیش‌دبستانی نیز در آموزش هنجارها و ارزش‌ها به فرزندان دخالت دارند. مهدکودک، برای بچه‌ها عموماً جذابیتی بیش از خانه دارد. به‌عبارت‌دیگر، تأثیرپذیری کودکان در مهدکودک و از مریدان به‌مراتب بیشتر از خانه و خانواده است؛ بنابراین، والدین و مریدان، به‌عنوان مهم‌ترین منابع اطلاعات درباره رفتار اجتماعی و هیجانی کودکان محسوب می‌شوند؛ که جمع‌آوری اطلاعات از آن‌ها با رتبه‌گذاری مربی برای دستیابی به تصویری کامل‌تر از رفتار اجتماعی کودکان کمک‌کننده و ضروری است (مفیدی، ۱۳۸۶). از این‌رو پژوهش حاضر در مرکز پیش‌دبستانی و با جمع‌آوری اطلاعات درباره رفتارهای اجتماعی کودکان از مریدان انجام می‌گردد.

-
1. Rinaldi & Howe
 2. Bagner & Eybreg
 3. Amrai & Hassanzadeh
 4. Lundahl & Risser & Lovejoy

با توجه به اهمیت مهارت‌های اجتماعی در دوران کودکی که پژوهش‌های پیشین نیز این امر را نشان داده‌اند، هدف پژوهش حاضر، بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان ۶-۵ ساله از راه بازی‌های گروهی و شناخت هوش هیجانی مادران کودکان کم مهارت و ارتباط آن با آموختن مهارت‌های اجتماعی آن‌ها است. در همین راستا، فرضیه‌هایی برای انجام پژوهش در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از:

۱. آموزش مهارت‌های اجتماعی از راه بازی‌های گروهی در کودکان پیش‌دبستانی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی آن‌ها موثر است.
۲. آموزش مهارت‌های اجتماعی با کنترل هوش هیجانی مادر از راه بازی‌های گروهی در کودکان پیش‌دبستانی بر بهبود مهارت‌های آن‌ها مؤثر است.

روش پژوهش

با توجه به این که پژوهش حاضر، به دنبال کنترل و دستکاری متغیرهای مهارت‌های اجتماعی و بازی‌های گروهی است، پژوهش از نوع نیمه آزمایشی و با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل^۱ انجام گرفته است. آزمودنی‌ها شامل ۱۰۰ کودک دختر و پسر ۶-۵ ساله پیش‌دبستانی و مهدکودک واقع در منطقه ۲ شهر تهران و مادران آن‌ها در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بودند. پس از اجرای پیش‌آزمون مهارت‌های اجتماعی از سوی مربیان مهدکودک، برابری میانگین‌ها و هم‌تاریک کردن آزمودنی‌ها از نظر سن، ۳۰ کودک دختر و پسر در گروه سنی ۶-۵ ساله که مهارت‌های اجتماعی آن‌ها پایین بود؛ با نمونه‌گیری تصادفی، در دو گروه کنترل و آزمایشی گمارده شدند. هرکدام از گروه‌ها به تفکیک شامل ۱۵ نفر بود. برای تحلیل داده‌های حاصل از آزمون مهارت‌های اجتماعی از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده گردید؛ همچنین، هوش هیجانی ۳۰ نفر از مادران گروه‌های گواه و آزمایش نیز سنجیده شد. برای کنترل هوش هیجانی مادران نیز از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده گردید؛ نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تفاوت معناداری را از نظر تأثیر هوش هیجانی مادران بر آموزش مهارت‌های اجتماعی گروه نمونه را نشان نداد. ۱۰ نفر از کودکان مورد مطالعه دختر و ۲۰ نفر از دیگر پسرها بودند. ۱۳ نفر از نمونه‌های مورد مطالعه را کودکان ۵ ساله و ۱۷ نفر دیگر را کودکان ۶ ساله تشکیل داده‌اند.

1. pretest-post test randomized group design

طرح پژوهش: در طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل هر دو گروه آزمودنی بار اول با یک پیش‌آزمون اندازه‌گیری شدند. بار دوم اندازه‌گیری هر دو گروه با پس‌آزمون انجام گرفت. آزمودنی‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفتند. دو گروهی که به این شیوه تشکیل شدند از هر جهت مشابه یکدیگر بودند و اندازه‌گیری متغیر وابسته برای هر دو گروه در یک زمان و تحت شرایط یکسان انجام گرفت. گروه آزمایش در معرض متغیر مستقل (آموزش مهارت‌های اجتماعی) قرار گرفت، ولی این متغیر برای گروه دوم (کنترل) اجرا نشد.

ابزارهای پژوهش: در پژوهش حاضر، از دو پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی محقق‌ساخته و هوش هیجانی سیبیریاشرینگ برای ارزیابی مهارت‌های اجتماعی کودکان و هوش هیجانی مادران استفاده شد. پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی محقق‌ساخته با استفاده از پرسشنامه‌های مهارت‌های اجتماعی گرشام-الیوت^۱ (۱۹۹۸)، احمدی-نورانی (۱۳۸۹)، رشد اجتماعی وایلند^۲ (۱۹۵۳۹) و کتاب آموزش اخلاق و قانون‌پذیری جان بزرگی، نوری و آگاه هریس (۱۳۹۱) ساخته شده است. پرسشنامه دارای ۵۷ سؤال و ۸ مؤلفه، همکاری (رفتار توأم دو یا چند فرد جهت رسیدن به یک هدف مشترک است.)، همدلی (توانایی تطبیق خود از منظر ذهنی با یک شخص یا چیزی به منظور فهمیدن احساسات)، خودمهارگری (توانایی پیروی از درخواست، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت)، آداب معاشرت (شیوه برخورد افراد با دیگران)، اعتمادبه‌نفس (احساس خود ارزشمندی که از نسبت موفقیت‌های واقعی بر موفقیت‌های ادعا شده به دست می‌آید)، پرخاشگری (شامل رفتارهایی مانند داد زدن، فحش دادن، کتک زدن و...)، قانون‌پذیری (لزوم وجود قانون برای زندگی به منظور برقراری نظم و امنیت دزدانگی اجتماعی) و جهت‌گیری اجتماعی (ناشی از علاقه و توجه فرد به دیگران) است؛ که از سوی مربیان کودکان تکمیل می‌گردد. پاسخ سؤالات پرسشنامه، به صورت ۵ درجه‌ای از نوع مقیاس لیکرت از هرگز (۱) تا همیشه (۵) درجه بندی شده است. در پرسشنامه تمامی مؤلفه‌ها با هم جمع می‌گردند که نمره بالا نشان‌دهنده مهارت اجتماعی بالا و نمره پایین نشان‌دهنده مهارت اجتماعی پایین است. روایی محتوایی پرسشنامه توسط اساتید ذی‌صلاح، پس از برطرف نکردن ابهامات تعیین شد. پایایی پرسشنامه در این تحقیق با روش

1. Garsham & Olyoot
2. Vayland

آلفای کرونباخ برای کل آن، ۰/۸۹ و خرده آزمون‌ها بین ۰/۵۱ تا ۰/۷۹ به دست آمد. طراحی پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی توسط پژوهشگر با مطالعه منابع مختلف و در نظر گرفتن این که بازی‌های گروهی به گونه‌ای انتخاب و طراحی شوند که همه مؤلفه‌های پرسشنامه مورد نظر را به طور جداگانه بسنجند؛ این پژوهش را از سایر پژوهش‌های پیشین متمایز نمود. بازی‌های طراحی شده (۵۱ بازی برای همه مؤلفه‌های پرسشنامه) به صورتی است که موردعلاقه‌ی همه‌ی کودکان گروه آزمایش بود و همه‌ی کودکان در بازی‌ها شرکت کردند و کسی بدون فعالیت نبود.

پرسشنامه سبیریاشرینگ^۱ برای سنجش هوش هیجانی مادران دارای ۳۳ سؤال و ۵ مؤلفه (خودآگاهی، همدلی، خودکنترلی، خودانگیزی و مهارت‌های اجتماعی) است پاسخ سؤالات به صورت ۵ درجه‌ای از نوع مقیاس لیکرت از هرگز (۱) تا همیشه (۵) درجه بندی شده است. در نهایت، تمامی مؤلفه‌ها با هم جمع می‌گردند که نمره بالا نشان‌دهنده هوش هیجانی بالا و نمره پایین نشان‌دهنده هوش هیجانی پایین است (۱۶۵-۳۳) روایی پرسشنامه توسط منصوری (۱۳۸۰) با بررسی همبستگی این پرسشنامه با پرسشنامه هوش هیجانی کوپر اسمیت^۲ برابر با ۰/۶۳، به دست آمد پایایی پرسشنامه نیز با روش آلفای کرونباخ برای کل آن، ۰/۸۵ و خرده آزمون‌ها بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۴ به دست آمد. پایایی پرسشنامه مذکور نیز در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ به دست آمد.

برای جمع‌آوری اطلاعات پژوهشی، ابتدا، نوع و گروه پژوهش در نظر گرفته شد. به عبارت دیگر، از آنجایی که تلاش پژوهش به دست آوردن تصویری از نظرات پیرامون متغیرها بود در گروه پژوهش‌های میدانی^۳ و از جهت شناسایی این روابط در گروه پژوهش‌های آزمایشی و از نظر هدف و نتایج در گروه پژوهش‌های کاربردی^۴ قرار گرفت. سپس، بعد از مشخص شدن مهدکودک موردنظر، پرسشنامه محقق ساخته مهارت‌های اجتماعی کودکان، در اختیار مربی‌های کودکان ۶-۵ ساله قرار داده شد تا آن‌ها با شناختی که از کودکان دارند؛ پرسشنامه مذکور را تکمیل نمایند، بدین صورت از کودکان پیش‌آزمون به عمل آمد. همچنین، به منظور سنجش هوش هیجانی مادران به عنوان یکی از

-
1. Sibriyashering
 2. Cooper esmith
 3. field research
 4. apilayd resaerch

عوامل مرتبط با مهارت‌های اجتماعی کودکان، پرسشنامه هوش هیجانی سیبیریاشرینگ در اختیار مادران کودکان همین گروه سنی گذاشته شد تا به سؤال‌ها پاسخ گویند. برای اجرای پژوهش فرایندی نیز به شرح زیر انجام گرفت:

در مرحله اول، معرفی‌نامه‌ای جهت انجام پژوهش از دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا صادر گردید و به مهد کودک مورد نظر داده شد. با ارائه معرفی‌نامه و اهداف پژوهش سعی شد که همکاری مهد کودک به اهمیت پژوهش حاضر جلب گردد. در مرحله دوم، از بین کودکان مهد کودک و مرکز پیش‌دبستانی مورد نظر، ۱۰۰ کودک گروه سنی ۵-۶ ساله انتخاب شدند. سپس، ۳۰ کودک دختر و پسر کم مهارت با روش نمونه‌گیری در دسترس پس از اجرای پیش‌آزمون مهارت‌های اجتماعی انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفر، آزمایشی و کنترل گمارده شدند. همچنین، از میان مادران همان گروه سنی، هوش هیجانی ۳۰ نفر از مادران گروه‌های گواه و آزمایش نیز سنجیده شد. در مرحله سوم، برای بهبود مهارت‌های اجتماعی، کودکان گروه آزمایش در ۱۰ جلسه و در هر هفته دو جلسه، بازی‌های گروهی طراحی شده از سوی پژوهشگر شرکت کردند. انتخاب و طراحی هر یک از بازی‌ها که در پیوست آورده شده‌اند، پس از مطالعه منابع مختلف و جمع‌آوری اطلاعات، مشورت با مربیان مهد کودک و راهنمایی‌های اساتید در زمینه چگونگی آموزش مهارت‌های اجتماعی از راه بازی‌های گروهی انجام گرفته است. در جلسه‌های بازی علاوه بر هدف اصلی (ارتقای مهارت‌های اجتماعی)، چند هدف فرعی نیز مورد توجه قرار گرفت. اول آنکه همه کودکان باید در بازی‌ها شرکت داشته باشند و هیچ کودکی از بازی‌ها حذف نشود. دوم آن که بازی‌ها موجب تحریک ارتباطات غیرکلامی در گروه شوند، سوم، در رسیدن به اهداف بازی‌ها همکاری اعضا بسیار ضروری و لازم است، در آخر بازی‌ها موجب تفریح و سرگرمی کودکان باشد. بازی‌ها همان‌طور که انتظار رفت با ویژگی‌های رشدی و سنی کودکان نیز هماهنگ بود. پژوهشگر قبل از اجرای هر بازی، نحوه اجرای آن را به صورت عملی و عینی به کودکان آموزش داد. در مرحله آخر، مدتی پس از پایان جلسه‌های آموزش، مجدداً پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی برای انجام پس‌آزمون توسط مربیان کودکان هر دو گروه (گواه و آزمایش) تکمیل گردید.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی گروه نمونه بر اساس سن و جنس

وضعیت	گروه‌ها	تعداد	درصد فراوانی	حجم نمونه
جنس	دختر	۱۰	۳۳/۳	۳۰
	پسر	۲۰	۶۶/۷	۳۰
سن	کودکان ۵ ساله	۱۳	۴۳/۳	۳۰
	کودکان ۶ ساله	۱۷	۵۶/۷	۳۰

جدول فوق نشان می‌دهد که ۱۰ نفر (۳۳,۳ درصد) از نمونه‌های مورد مطالعه دختر و ۲۰ نفر (۶۶,۷ درصد) از آنها پسر هستند. همچنین، ۱۳ نفر (۴۳/۳ درصد) از نمونه‌های مورد کودکان ۵ ساله و ۱۷ نفر (۵۶/۷ درصد) از آنها پسر هستند.

فرضیه ۱: آموزش مهارت‌های اجتماعی از راه بازی‌های گروهی در کودکان پیش‌دبستانی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی آن‌ها موثر است.

جدول ۲. نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض تساوی واریانس‌ها در گروه‌های آزمایش و گواه کودکان پیش‌دبستانی

متغیر وابسته	F	df1	df2	سطح معنی داری
نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان	۳/۱۲	۱	۲۸	۰/۰۸۸

همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد، از آنجایی که مقدار F معنادار نیست، پیش فرض تساوی واریانس‌های نمرات در دو گروه آزمایش کودکان پیش‌دبستانی، تأیید گردیده است. ($p = 0/088$).

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان پیش‌دبستانی از راه بازی‌های گروهی

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معنی‌داری	میزان تأثیر	توان آماری
باقی‌مانده	۶۵۸/۸۴۹	۱	۶۵۸/۸۴۹	۲۷/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۵۰	۰/۹۹
پس‌آزمون گروه	۲۰۴۴/۸۶۵	۱	۲۰۴۴/۸۶۵	۸۳/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۷۵	۱/۰۰
آزمایش و گواه	۴۳۵۸/۹۷۴	۱	۴۳۵۸/۹۷۴	۱۷۸/۷۰۰	۰/۰۰۱	۰/۸۶	۱/۰۰

نتایج تحلیل کوواریانس (جدول ۳) نشان‌دهنده تأثیر معنادار بازی‌های گروهی بر مقیاس کلی مهارت‌های اجتماعی در گروه آزمایش می‌باشد. ($P < ۰/۰۱$) میزان این تأثیر ۰/۸۶ است. توان آماری ۱ به دست آمده است یعنی احتمال این که فرض صفر اشتبهاً تأیید شده باشد وجود ندارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد.

جدول ۴. توزیع پراکندگی نمرات مهارت‌های اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی (گروه‌های آزمایش و گواه)

وضعیت	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	کجی	کشیدگی
پیش‌آزمون	آزمایش	۱۵	۱۴۴/۶۰	۱۳/۴۹	۱۱۴	۱۶۸	-۰/۳۱۷	۰/۸۶۱
	گواه	۱۵	۱۴۵/۸۶	۱۱/۱۲	۱۲۰	۱۶۷	-۰/۶۲۰	۱/۶۱
پس‌آزمون	آزمایش	۱۵	۱۶۹/۱۳	۸/۳۲	۱۵۱	۱۸۱	-۰/۳۷۸	۰/۰۷۲
	گواه	۱۵	۱۴۵/۸۶	۱۱/۱۲	۱۲۰	۱۶۷	۰/۶۲۰	۱/۶۱

همانطور که جدول (۴) نشان می‌دهد متوسط نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان در پیش‌آزمون در گروه آزمایش برابر با ۱۴۴/۶۰، انحراف معیار آن (۱۳/۴۹) با کمترین نمره (۱۱۴) و بیشترین نمره (۱۶۸) و گروه گواه برابر با ۱۴۵/۸۶ و انحراف معیار آن (۱۱/۱۲) با حداقل نمره (۱۲۰) و حداکثر نمره (۱۶۷) است. همچنین در پس‌آزمون متوسط نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان در گروه آزمایش برابر با ۱۶۹/۱۳، انحراف معیار آن (۸/۳۲)

با حداقل نمره (۱۵۱) و حداکثر نمره (۱۸۱) و گروه گواه برابر با ۱۴۵/۸۶ و انحراف معیار آن (۱۱/۱۲) با حداقل نمره (۱۲۰) و حداکثر نمره (۱۶۷) است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به تأثیر آموزش مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی از راه بازی‌های گروهی

مؤلفه‌ها	رتبه آماری	میانگین مجدورات	F	سطح معنی‌داری	بزرگ‌ترین تأثیر	فوان آماری
همکاری	۱	۷۷/۴۳۰	۶۴/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۷۰	۱/۰۰
همدلی	۱	۲۵۲/۴۲	۲۲۱/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۸۹	۱/۰۰
خودمهارگری	۱	۹۰۰/۳۳	۱۳۷/۵۶	۰/۰۰۱	۰/۸۳	۱/۰۰
آداب معاشرت	۱	۱۲۲/۷۹	۵۸/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۶۸	۱/۰۰
احترام به قانون	۱	۱۵۴/۲۵	۵۹/۵۰	۰/۰۰۱	۰/۶۸	۱/۰۰
اعتمادبه‌نفس	۱	۲/۲۵	۱/۳۸	۰/۲۴	۰/۰۴	۰/۲۰
پرخاشگری	۱	۳۰/۹۷	۱۶/۶۹	۰/۰۰۱	۰/۳۸	۰/۹۷
جهت‌گیری اجتماعی	۱	۳۳/۳۸	۱۴/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۳۴	۰/۹۵

گروه آزمایش و گروه گواه

همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد، تفاوت میانگین نمرات مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به ترتیب شامل (همکاری) (۹/۸۰۰، ۱۲/۸۰۰)، همدلی (۲۶/۷۰۰، ۳۲/۷۳۳۳)، خودمهارگری (۱۴/۴۰، ۱۸/۶۶)، آداب معاشرت (۱۴/۱۰۰، ۱۸/۹۳۳۳)، احترام به قانون (۴۵،۵۷/۶۳)، پرخاشگری (۶/۹، ۶۰۰۰/۳۳۳) و جهت‌گیری اجتماعی (۱۲/۱۶۶۷، ۱۳/۱۶۶۷) به استثناء مؤلفه اعتمادبه‌نفس (۹/۱۰۰، ۸/۵۳۳۳) در کودکان پیش‌دبستانی در گروه‌های آزمایش و گواه در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است و این نتیجه به این معنی است که تفاوت مشاهده‌شده در گروه آزمایش و گواه معنی‌دار است. پس می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی (به‌استثناء مؤلفه

اعتمادبه‌نفس) از راه بازی‌های گروهی در کودکان پیش‌دبستانی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی آن‌ها مؤثر است.

فرضیه ۲: آموزش مهارت‌های اجتماعی با کنترل هوش هیجانی مادر از طریق بازی‌های گروهی در کودکان پیش‌دبستانی بر بهبود مهارت‌های آن‌ها مؤثر است.

جدول ۶. نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به تأثیر هوش هیجانی مادران در آموزش مهارت‌های

اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	میزان تأثیر آماری	توان
باقی‌مانده	۱۳۸۶۷/۹۶۸	۱	۱۳۸۶۷/۹۶۸	۱۴۶/۸۸۷	۰/۰۰۱	۰/۸۴	۱/۰۰
هوش هیجانی مادران	۱۵۴/۳۲۹	۱	۱۵۴/۳۲۹	۱/۶۳	۰/۲۱	۰/۰۵	۰/۲۳
گروه آزمایش و گواه	۴۱۶۸/۷۶۳	۱	۴۱۶۸/۷۶۳	۴۴/۱۵۵	۰/۰۰۱	۰/۶۲	۱/۰۰

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد تأثیر هوش هیجانی مادران در ایجاد تفاوت بین نمرات مهارت‌های اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی در گروه‌های آزمایش و گواه معنی‌دار نیست ($p > ۰/۰۵$) بنابراین، تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان ناشی از آموزش مهارت‌های اجتماعی از راه بازی‌های گروهی است نه هوش هیجانی مادران. لذا فرضیه دوم پژوهش رد می‌گردد.

جدول ۷. توزیع پراکندگی نمرات هوش هیجانی مادران کودکان پیش‌دبستانی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	کجی	کشیدگی
هوش هیجانی مادران	۳۰	۱۱۶/۱۳	۱۴/۶۰	۸۹	۱۵۰	۰/۳۵۹	-۰/۲۴۵

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد متوسط نمرات هوش هیجانی مادران کودکان پیش‌دبستانی برابر با ۱۱۶/۱۳ با انحراف استاندارد ۱۴/۶۰ محاسبه گردیده که حداقل نمره هوش هیجانی ۸۹ و حداکثر ۱۵۰ می‌باشد.

یافته‌های جانبی: ۱- آیا بین مهارت‌های اجتماعی کودکان با توجه به جنسیت آن‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت وجود دارد؟

جدول ۸. نتایج آزمون t مستقل در مورد مقایسه میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان دختر و

پسر

وضعیت	نتایج آزمون لوین در مورد برابری		نتایج آزمون t استیودنت در مورد مقایسه میانگین‌های دو	
	وارپانس‌های دو گروه	سطح معناداری	گروه کودکان دختر و کودکان پسر	سطح معناداری
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی
پیش‌آزمون	۰/۱۲	۰/۷۳	۱/۷۶	۲۸
پس‌آزمون	۰/۳۷	۰/۵۴	۲/۸۶	۲۸

نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد در پیش‌آزمون تفاوت بین میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان دختر و پسر در پیش‌آزمون از نظر آماری معنی‌دار نیست. (میانگین نمرات دخترها با فراوانی ۱۰ در پیش‌آزمون برابر با ۱۵۰/۶۰، میانگین نمرات پسرها با فراوانی ۲۰ در پیش‌آزمون برابر با ۱۴۲/۵۵) یعنی مهارت‌های اجتماعی کودکان دختر و پسر باهم یکسان هستند. ($t = 1/76$, $d.f = 28$, $sig = 0/08$ و $P > 0/5$) در پس‌آزمون نتایج نشان می‌دهد. کودکان دختر در مقایسه با کودکان پسر از مهارت‌های اجتماعی بهتری برخوردار هستند. ($P < 0/5$) (میانگین نمرات دخترها در پس‌آزمون برابر با ۱۶۷/۶۰، میانگین نمرات پسرها در پس‌آزمون برابر با ۱۵۲/۴۵)

۲- آیا بین مهارت‌های اجتماعی کودکان با توجه به سن آنها تفاوت وجود دارد؟

جدول ۹. نتایج آزمون t مستقل در مورد مقایسه میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان ۵

ساله و ۶ ساله

وضعیت	نتایج آزمون لوین در مورد برابری		نتایج آزمون t استیودنت در مورد مقایسه میانگین‌های دو	
	وارپانس‌های دو گروه	سطح معناداری	گروه کودکان ۵ ساله و ۶ ساله	سطح معناداری
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی
پیش‌آزمون	۰/۵۵	۰/۴۶	-۱/۴۵	۲۸
پس‌آزمون	۰/۳۱	۰/۵۸	۲/۱۰	۲۸

نتایج جدول (۹) نشان می‌دهد در پیش‌آزمون تفاوت بین میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان ۵ ساله و ۶ ساله از نظر آماری معنی‌دار نیست. ($t = -1/45$, $d.f = 28$). در واقع تفاوتی بین کودکان با توجه به سن آن‌ها در مهارت‌های اجتماعی نیست. (میانگین نمرات کودکان ۵ ساله در پیش‌آزمون برابر با $141/61$ ، میانگین نمرات کودکان ۶ ساله در پیش‌آزمون برابر با 148) همچنین، در پس‌آزمون نتایج نشان می‌دهد، تفاوت بین میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان ۵ ساله و ۶ ساله از نظر آماری معنی‌دار است. ($P < 0/5$, $sig = 0/04$, $t = 2/10$, $d.f = 28$). عملکرد مهارت‌های اجتماعی کودکان ۶ ساله بهتر از کودکان ۵ ساله است. (میانگین نمرات کودکان ۵ ساله در پس‌آزمون برابر با $157/15$ ، میانگین نمرات کودکان ۶ ساله در پس‌آزمون برابر با $171/76$)

۳- آیا بین مهارت‌های اجتماعی کودکان با توجه به تحصیلات مربی‌ها تفاوتی وجود دارد؟

جدول ۱۰. نتایج آزمون واریانس تک متغیره در زمینه تأثیر تحصیلات مربی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان

وضعیت	گروه‌ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	بین گروهی	۰/۰۱۲۶	۳	۰/۰۴۲	۰/۰۹۱۱	۰/۰۴۴
	درون گروهی	۱/۱۹۶	۲۶	۰/۰۴۶	-	-
پس‌آزمون	بین گروهی	۰/۰۶۶	۳	۰/۰۲۲	۱/۰۳۵	۰/۰۴۱
	درون گروهی	۰/۰۲۳	۱۱	۰/۰۲۱	-	-

همان‌طور که نتایج جدول (۱۰) نشان می‌دهد، از آنجایی که مقدار F به دست آمده هم در پیش‌آزمون ($F = 0/0911$, $a = 5\%$, $df = 3, 26$) و هم در پس‌آزمون ($F = 0/021$, $a = 5\%$ ، $df = 3, 11$) معنادار نیست می‌توان گفت تحصیلات مربی تأثیری بر مهارت‌های اجتماعی کودکان ندارد. (میانگین نمرات مربی‌ها به تفکیک تحصیلات در پیش‌آزمون برابر با: دیپلم، $147/83$ فوق‌دیپلم، $148/60$ لیسانس، $144/50$ و فوق‌لیسانس، $139/69$ ؛ میانگین نمرات به تفکیک تحصیلات به ترتیب در پس‌آزمون هم برابر با: $152/66$ ، $154/40$ ، $164/33$ ، $159/87$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان ۶-۵ ساله از راه بازی‌های گروهی و شناخت هوش هیجانی مادران کودکان کم مهارت و ارتباط آن با آموختن مهارت‌های اجتماعی آن‌ها انجام شد. بر طبق نظریه یادگیری اجتماعی، افراد از راه مشاهده، رفتارهای اجتماعی را می‌آموزند که در این میان، بازی‌های گروهی الگوی خوبی برای کودک است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه اول، یا آزمون کواریانس (جدول ۱) بیان‌کننده اثربخشی بازی‌های گروهی (سطح معناداری ۰/۰۰۱) بر بهبود مهارت‌های اجتماعی کلی افراد گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون بود. این یافته‌ها با پژوهش‌های زیر همسویی دارد. یزدانی پور و یزدخواستی (۱۳۹۱)، هستی (۱۳۹۱)، سهرابی (۱۳۹۰)، خدامراد (۱۳۸۹) در پژوهش‌های مشابهی بر روی جمعیت‌های مختلف نشان دادند بازی‌های گروهی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی مؤثر است. کاپرالوس و لی و گری و برتا^۱ (۲۰۱۳)، استانتون، چاپمن و جامیسون و دنینگ^۲ (۲۰۰۸)، استانتون - چاپمن و اسنل^۳ (۲۰۱۱)، یورن و استاگنیتی^۴ (۲۰۰۹)، برون و ادوم و مک نل و راسل^۵ (۲۰۰۸)، نیز در پژوهش‌های خود نشان دادند بازی یک ابزار مهم در اثربخشی مهارت‌های اجتماعی است. به‌طور کلی در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت. از آنجا که بازی‌های به‌کاررفته در این پژوهش به‌صورت گروهی و با سمت و سوی اجتماعی انجام‌شده، موجب شده است که فرد خود را در نمونه کوچکی از جامعه و در تعامل با دیگران تصور کند و مشکلات مربوط به روابط بین فردی را از نزدیک لمس کند؛ و از این راه بتواند برای آن‌ها راه‌حلی بیابد و به موقعیت‌های مشابه تعمیم دهد.

در خصوص آموزش مهارت‌های اجتماعی با کنترل هوش هیجانی مادر از راه بازی‌های گروهی در کودکان پیش‌دستانی با آزمون تحلیل کواریانس (جدول ۴) مشخص شد که هوش هیجانی مادران در آموزش مهارت‌های اجتماعی به اعضای گروه آزمایش از راه بازی‌های گروهی مؤثر نیست ($p > 0/05$) در واقع، بهبود مهارت‌های اجتماعی گروه

1. Kapralos & Lee & Gre & Berta
2. Stanton-Chapman & Denning & Jamison
3. Stanton- Chapman & Snell
4. uren & Estageniti
5. Brown & Odom & McConnell & Rathel

آزمایش و تفاوت بین نمرات مشاهده‌شده به دلیل انجام بازی‌های گروهی بوده نه هوش هیجانی مادران. نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش مشهدی (۱۳۹۰) بر روی کودکان ۶ ساله همسویی دارد. نتایج پژوهش او نشان داد آموزش مهارت‌های اجتماعی بر افزایش سطح هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در کودکان تأثیرگذار نیست. همچنین، با یافته‌های ماهونی (۲۰۱۳)، رینالدی و هوی (۲۰۱۲) و باگنر و ایبرج (۲۰۰۷)، صید (۱۳۸۸)، امرایی و حسن زاده (۲۰۱۱)، لانداحی وریسر و لوجی (۲۰۰۶) مغایرت دارد. به‌عبارت‌دیگر، نتایج پژوهش‌ها بر روی جمعیت‌های مختلف نشان دادند که بین هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد و هوش هیجانی مادر می‌تواند بر افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان مؤثر باشد؛ بنابراین، یکی از دلایل مغایرت نتایج حاصل از فرضیه دوم با پژوهش‌های پیشین، می‌تواند، بی‌حوصلگی مادران گروه‌های آزمایش و کنترل در تکمیل پرسشنامه هوش هیجانی با وجود بیان اهمیت پژوهش برای مادران است.

علاوه بر فرضیه‌های اصلی پژوهش، پژوهشگر به یافته‌های جانبی دیگر نیز دست یافت. یکی از یافته‌های جانبی پژوهش این بود که دخترها در مقایسه با پسرها از مهارت‌های اجتماعی بیشتری برخوردارند. نتایج جدول (۶) در پس‌آزمون با آزمون t دو گروه مستقل نیز نشان داد کودکان دختر در مقایسه با کودکان پسر از مهارت‌های اجتماعی بهتری برخوردار بودند. این یافته با یافته‌های زیر هم‌جهت است. یگانه (۱۳۹۳)، سهرابی (۱۳۹۰)، عبدی^۱ (۲۰۱۱) نیز نشان دادند که بین مهارت‌های اجتماعی دخترها و پسرها تفاوت وجود دارد و در این میان، دخترها مهارت‌های اجتماعی بهتری دارند. این یافته با پژوهش کریمی، کیخاونی، محمدی (۱۳۸۹) مغایرت دارد. به عبارتی، تفاوتی بین کودکان دختر و پسر در مهارت‌های اجتماعی وجود ندارد.

یافته‌ی جانبی دیگر پژوهش این بود که کودکان ۶ ساله در مقایسه با کودکان ۵ ساله از مهارت‌های ارتباطی بیشتری برخوردارند. نتایج جدول ۷ در پس‌آزمون با آزمون t دو گروه مستقل، نشان داد که بین مهارت‌های اجتماعی کودکان ۵ ساله و ۶ ساله تفاوت وجود دارد؛ و این تفاوت به نفع کودکان ۶ ساله است. نتایج این یافته با یافته مشابهی در این زمینه همسویی دارد؛ یافته‌های پژوهش دادستان، عسگری، رحیم زاده، بیات (۱۳۹۰) نشان داد کودکان ۶-۵ ساله در مقایسه با کودکان ۵-۴ ساله از مهارت‌های اجتماعی بیشتری برخوردارند. آخرین،

1. Abdi

یافته جانبی پژوهش نیز این بود که بین میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان با توجه به تحصیلات مربی‌ها تفاوتی وجود دارد که با توجه به نتایج جدول (۸) با آزمون واریانس تک متغیره، مشخص شد تحصیلات مربی‌های مهد کودک تأثیری بر مهارت‌های اجتماعی کودکان مورد نظر ندارد.

در نهایت، پس از تبیین یافته‌های پژوهش و مقایسه آن‌ها با پژوهش‌های پیشین می‌توان در تبیین کلی گفت، هر ساله ۱۰ تا ۱۳ درصد دانش آموزان به علت ضعف در مهارت‌های اجتماعی از سوی همسالان خود طرد و دچار انزوای اجتماعی می‌گردند؛ بنابراین یکی از مشکلات رفتاری دوران کودکی که بعدها در دوران دبستان و بزرگسالی خود را نشان می‌دهد ضعف در مهارت‌های اجتماعی است. در بیشتر موارد این امر از سوی مربیان مراکز پیش‌دبستانی و حتی معلمان و والدین مورد غفلت قرار می‌گیرد؛ و آن‌ها قادر به شناسایی روابط بین فردی ضعیف کودک نیستند؛ که این امر می‌تواند به علت آگاهی اندک آن‌ها نسبت به اهمیت مهارت‌های اجتماعی در دوران کودکی باشد. (معصومی، ۱۳۹۳).

اگر بخواهیم کودکی اجتماعی پرورش دهیم از همان ابتدا باید به نیازهای اجتماعی و روانی او پاسخ بدهیم. یکی از این نیازها، به خصوص در مهد کودک‌ها تقویت مهارت‌های بین فردی و افزایش اعتماد به نفس برای ورود به جامعه بزرگ‌تر است. انجام بازی‌های مختلف و توجه به اهمیت آن می‌تواند به تقویت این مهارت‌ها کمک کند. (احمدی، ۱۳۸۰).

پژوهش‌های علوم انسانی در هر مرحله به دلیل عدم پیش‌بینی رفتارهای انسانی و پیچیده بودن ابعاد مختلف انسانی، با محدودیت‌هایی مواجه خواهند شد. پژوهش حاضر نیز، از این امر جدا نبوده و پژوهشگر با مشکلاتی روبه‌رو بود. از جمله: عدم امکان اجرای مرحله پیگیری و عدم امکانات مناسب در مهد کودک برای انجام بازی‌ها. عدم دقت مربیان در پاسخگویی به پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی؛ و از آنجا که پژوهش در یک مهد کودک انجام گرفته لذا در تعمیم‌پذیری نتایج باید دقت کرد.

برخی از پیشنهاد‌های پژوهشی عبارت‌اند از: انجام پژوهش در سایر مقاطع تحصیلی و سنین مختلف. مقایسه تأثیر بازی‌های گروهی با دیگر بازی‌ها مانند بازی‌های کامپیوتری، نمایشی، شناختی و وانمود سازی بر روی جنبه‌های مختلف رشد. اجرای پژوهشی در زمینه ارتباط مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان با مهارت‌های اجتماعی والدین. اجرای پژوهشی در زمینه ارتباط توانایی اجتماعی در کودکان و نوجوانان و مهارت‌های حل مسأله

و کنترل خشم. انجام پژوهشی در زمینه تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سایر مشکلات رفتاری کودکان از جمله: انزوای اجتماعی، مشکلات رفتاری و خانوادگی. برخی از پیشنهادها کاربردی مبتنی بر یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از: به مادرها پیشنهاد می‌شود که مهارت خوب گوش دادن را به کودکان خود بیاموزند. بردن کودکان نوپا به فروشگاه‌ها و مراکز خرید برای افزایش مهارت‌های اجتماعی آن‌ها. پیشنهاد می‌شود، والدین در خانه کودک را با بازی‌ها و فعالیت‌های به‌روز جامعه و مناسب سن او آشنا کنند تا هنگام حضور کودک در مدرسه و یا محیط ناآشنا با حجم وسیعی از اطلاعات ناشناخته روبه‌رو نشود. والدین مرتب به کتابخانه و مراکز فروش محصولات و بازی‌های کودکان سر بزنند و جدیدترین بازی‌های هدفمند را برای او خریداری کنند؛ زیرا با این کار به کودک حس اعتمادبه‌نفس و قدرت حضور بدون ترس در اجتماع را هدیه می‌دهند.

منابع

- احمدپور، مژگان. (۱۳۹۰). شیوه‌های تربیتی والدین و ارتباط آن در رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی. *علوم تربیتی*، ۲(۲۵)، ۴۷-۴۳.
- احمدی، شمس‌الدین. (۱۳۸۰). بررسی رابطه کیفیت دلبستگی کودک - مادر با تحول مهارت‌های اجتماعی و نوع مقابله با تنیدگی در کودکان پیش‌دبستانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. تهران.
- پورتال جامع بیتوته. (۱۳۹۲). انزوای اجتماعی. بازیابی در ۱۸ شهریور ۱۳۹۲ از: <http://www.beytoote.com>
- حسینی حسین‌آباد، فاطمه. (۱۳۸۳). ارتباط ساختار قدرت در خانواده و هوش هیجانی زنان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی
- خداامراد، صدیقه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بازی گروهی و وانمودی بر رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان ۴-۶ ساله پیش‌دبستانی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه روانشناسی
- دادستان، پریخ؛ عسگری، علی؛ رحیم‌زاده، سوسن؛ و بیات، مریم. (۱۳۹۰). مهارت‌های اجتماعی-هیجانی کودکان پیش‌دبستانی: یک مقایسه جمعیت شناختی. *مجله روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۲۶: ۷-۲.

- السون، متیواچ؛ هرگنهان، بی.آر. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری (ویرایش هشتم)*، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران: انتشارات دوران.
- سهرابی، طیبه. (۱۳۹۰). تأثیر بازی‌های گروهی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی
- سیادت، مرتضی؛ جدیدی، محسن (۱۳۹۴). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس و ابعاد هویت کودکان کار. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۱۱(۳۷): ۸۳-۱۰۳
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). *روانشناسی پرورشی نوین (ویرایش ششم)*. تهران: انتشارات دوران.
- شعبی، فاطمه. (۱۳۹۲). سبک دلبستگی و رابط اجتماعی. تهران: انتشار الکترونیکی.
- صید، سعیده. (۱۳۸۸). رابطه بین مؤلفه‌های هوش هیجانی مادران با مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی منطقه ۱ شهر کرج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی.
- طالب‌زاده، محسن. (۱۳۸۹). *روانشناسی رشد*. تهران: انتشارات مدرسان شریف.
- طرازجانی، ناهید. (۱۳۸۹). بررسی کیفیت دلبستگی کودک -مادر و ارتباط آن با رشد مهارت‌های اجتماعی (تعامل با همسالان) در کودکان پیش‌دبستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی.
- قدمپور، عزت‌اله؛ شهبازی راد، افسانه؛ محمدی، فرشته؛ عباسی، منظر (۱۳۹۴). اثربخشی بازی درمانی بی‌رهنمود بر کاهش اختلالات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۳۷(۱۱): ۱۰۲-۱۰۸.
- عابدین پور، سهیلا. (۱۳۹۲). بازی دانشگاه بچه‌هاست. روزنامه سلامت، شماره ۴۲۹، بازیابی از: www.salammat.ir
- کریمی، فرید؛ کیخاونی، ستار؛ و محمدی، محمدباقر (۱۳۸۹). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر اختلالات رفتاری کودکان دبستانی. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۱۸(۳): ۶۸-۶۱.

- لیوارجانی، شعله؛ گل محمد نژاد، غلامرضا؛ و شهانقی، معصومه (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان دختر دوره‌ی دبیرستانی تیزهوش و عادی شهرستان خوی در سال تحصیلی ۸۹-۸۸. علوم تربیتی، ۲(۵): ۲۱۰-۱۸۵.
- ماتسون، جانی؛ و اولندیک، توماس (۱۳۸۴). بهبود بخشی مهارت‌های اجتماعی کودکان: ارزیابی و آموزش، ترجمه احمد به پژوه، تهران: اطلاعات.
- مشهدی، علی. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر هوش هیجانی، کیفیت زندگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان شهر مشهد. پایان‌نامه، کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوس مشهد، گروه روانشناسی.
- مطهری، محمدرضا. (۱۳۸۶). راهنمای انتخاب اسباب‌بازی با تأکید بر روان‌شناسی بازی. تهران: البرز.
- معصومی، اصغر. (۱۳۹۳). انزوای اجتماعی. روزنامه همشهری آنلاین، شماره ۲۹، بازیابی در سایت: <http://hamshahrionline.ir/>
- مفیدی، فرخنده. (۱۳۸۶). آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستان. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ملکشاهی، فریده؛ و فرهادی، علی. (۱۳۸۷). بررسی شیوع مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی شهرستان خرم‌آباد ۱۳۸۵. دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ۱۰(۳): ۶۵-۵۷.
- منصوری، بهزاد. (۱۳۸۰). هنجاریابی آزمون هوش هیجانی سیریاشرینگ برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- وهاب، مریم؛ شهیم، سیما؛ جعفری، سلیمه؛ و اوریادی زنجانی، محمد مجید (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و رشد زبان دریافتی در کودکان ۴ تا ۶ ساله فارسی‌زبان. پژوهش در علوم توانبخشی، ۸(۳): ۴۶۵-۴۵۴.
- هستی، زینب. (۱۳۹۱). اثربخشی بازی‌های گروهی بر یادگیری مهارت کنترل خشم دوره ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

یاخچی بیگلر، ناصر؛ حاجلو، نادر؛ و یاخچی بیگلر، مریم (۱۳۹۱). بررسی مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی از دیدگاه والدین و مربیان شهرستان خوی. *دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز*، ۶(۳): ۴۵-۴۹.

یگانه، طیبه. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر کنش‌وری سازشی و اختلال‌های هیجانی - رفتاری دانش‌آموزان. *روانشناسان تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۰(۴۰): ۴۰۹-۴۱۹.

یزدانی پور، نسیم؛ و یزدخواستی، فریبا (۱۳۹۱). اثربخشی بازی‌های گروهی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی (۶-۷ سال) شهر اصفهان. *مجله تحقیقات علوم رفتاری دانشگاه اصفهان*، ۱۰(۳): ۲۲۱-۲۲۸.

یزدخواستی، فریبا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان عادی و دارای لکنت مدارس ابتدایی شهر اصفهان و مقایسه این دو متغیر در دو گروه. *پژوهش در علوم توانبخشی*، ۷(۴): ۵۳۳-۵۳۹.

- Abdi, b. (2010). Gender differences in social skills, problem behaviours and academic competence of Iranian kindergarten children based on their parent and teacher rating. *Journal of Procedia Social and behavioural sciences*, 5, 1175-1179.
- Amrai, K., & Hassanzadeh, S. (2011). The effectiveness of social skills training program to Mothers on improving social interact of cochlear implanted children, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 780-782.
- Bagner, D. M., & Eyberg, S. M. (2007). Parent-child interaction therapy for disruptive behavior in children with mental retardation: A Randomized Controlled Trial. *Journal of Clinical Child And Adolescent Psychology*, 36(3), 418-429
- Brown, W. H., Odom, S. L., McConnell, S. R., & Rathel, J. M. (2008). *Peer interaction Interventions for children with developmental difficulties In Social competence of young Children: Risk, disability, and intervention*. Baltimore, MD: Brookes, 141-163.
- Kapralos, B., Lee, K., Gre, P, M, Berta, R. (2013). Assessment in and of serious games: an Overview. *Advances in Human-Computer Interaction*, Retrieved from [Http://dx.doi.org/10.1155/2013/136864](http://dx.doi.org/10.1155/2013/136864).
- Lundahi, B., Risser, H. J., & Lovejoy, M. C. (2006). A meta-analysis of parent training: Moderators and follow-up effects. *Clinical Psychology Review*, 26, 86-104.
- Mahoney, Gerald. (2013). Working class mothers and school life: exploring the role of emotional Capital. *International Journal of Psychology*, 18 (3), 10-13.

- Rinaldi, C. M., Howe, N. (2012). Mothers` and fathers` parenting styles and association with Toddlers `externalizing, internalizing, and adaptive behavior. *Early Childhood Research Quarterly*, 27(2), 266-273.
- Stanton- Chapman, T. L., Snell, M, E. (2011). *Promoting turn-taking skills in preschool children With disabilities: The effects of a peer-based social communication intervention*. *Early Childhood Research quarterly*, 26 (20), 303–319.
- Stanton-Chapman, T. L., Denning, C. B., & Jamison, K. R. (2008). Exploring the effects of a Social communication intervention for improving requests and word diversity in preschoolers with disabilities. *Psychology in the Schools*, 45(7), 644–664.
- Uren N., Stagnitti, K. (2009). Pretend play, social competence and involvement in children aged 5–7 years: The concurrent validity of the ChildInitiated Pretend Play Assessment. *Australian. Occupational Therapy Journal*, 56 (5), 33–40.